

مقایسه اجمالی هیأت منصفه در حقوق ایران و انگلستان

دکتر عباس شیخ الاسلامی

مدرس دانشگاه علوم اسلامی رضوی

چکیده:

در ایران، اولین بار، در اصل ۷۹ متمم قانون اساسی مشروطه (مصوب ۲۹ شعبان ۱۳۲۵ ه.ق) حضور هیأت منصفه درباره جرایم سیاسی و مطبوعاتی، با فلسفه حمایت از آزادیهای سیاسی و مطبوعاتی پذیرفته شد. پس از انقلاب اسلامی، در اصل ۱۶۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، این موضوع، مورد پذیرش خبرگان قانون اساسی قرار گرفت، اما به دلایلی؛ از جمله: جوانی این نهاد، عدم تعریف جرم سیاسی و مطبوعاتی و ترکیب انتصابی اعضای آن، نتوانسته است جایگاه واقعی خود را در دادرسیهای مطبوعاتی و سیاسی، پیدا کند.

مقدمه

قضا از قدیم‌الایام، منصبی رسمی و خاص حاکمیت بوده است. در حال حاضر نیز یکی از حقوق متعلق به حاکمیت و یکی از مصادیق اعمال حاکمیت (در مقابل اعمال تصدی)، حق قضاوت نسبت به اختلافات مردم و حق مجازات است. حال سؤال مهمی که امروزه به صورت جدی در مجامع علمی و اجرایی مطرح شده، این است که حاکمیت تا چه حد می‌تواند در اعمال این حق، از وجود مردم و قضاوت‌های مردمی یا دادرسیهای مشارکتی استفاده کند.

مسلماً با حاکمیت مردم‌سالاری، نقش مردم در تمام امور، از جمله قضاوت و کنترل جرم نیز باید پررنگتر شود. ایجاد نهادهایی نظیر داوری، شوراهای داوری، خانه‌های انصاف، شوراهای حکمیت و هیأت منصفه، تلاش در تحقق این فکر است. از مشارکت مردمی در قضاوت‌های کیفری و کنترل جرم، گاه به سیاست جنایی مشارکتی یاد می‌شود.

پیشنهاد سیاست جنایی مشارکتی یا سیاست جنایی توأم با شرکت وسیع جامعه؛ یعنی در نظر گرفتن آثار ضرورت حیاتی ایجاد اهرمهای تقویتی دیگر، به غیر از پلیس یا قوه قضائیه، به منظور اعتبار بخشیدن بیشتر به یک طرح سیاست جنایی است که به وسیله قوه مجریه و قوه مقننه تهیه، تدوین و اجرا می‌گردد. پی بردن به اهمیت این موضوع و توجیه آن، در عمل باید به شرکت دادن مردم در سیاست جنایی با کلیه تغییراتی که این کار به دنبال می‌آورد، منجر شود؛ نه بدین لحاظ که از نظر عقیدتی طرفدار حضور و مداخله کمتر دولت هستیم، بلکه به خاطر واقع‌گرایی؛ زیرا مشارکت عامه مردم در سیاست جنایی، بر کارایی آن می‌افزاید. بعلاوه، این واقع‌گرایی، ما را به جهت مردمی کردن زندگی محلی نیز سوق می‌دهد.^۱



مجله تخصصی

دانشگاه علوم اسلامی رضوی

۱. کریستین لازرژ، سیاست جنایی، ترجمه علی حسین نجفی ابرنآبادی، نشر یلدا، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۵، ص ۱۲۴ - ۱۲۵.

بنابراین، حضور هیأت منصفه و سپردن سرنوشت یک پرونده به تصمیمات مردم عادی و نمایندگان جامعه، یکی از مهمترین مصادیق سیاست جنایی مشارکتی است. هیأت منصفه، ترجمه واژه «Jury» است. تفاوت در ساختار و قلمرو صلاحیت هیأت منصفه در کشورهای مختلف، منجر به عدم دستیابی به یک تعریف واحد از این نهاد شده است. اما دو تعریف ذیل از هیأت منصفه، می‌تواند مبنا قرار گیرد:

۱. «گروهی از افراد منتخب هستند که با استماع حقایق موجود در جریان دادرسی، در خصوص تقصیر یا عدم تقصیر متهم، ائتخاذ تصمیم می‌کنند.»^۱

۲. «تعدادی از مردان و زنان هستند که مطابق قانون، انتخاب شده، متعهد می‌شوند که واقعیت را احراز و بر اساس دلایلی که در پیش رو دارند، حقیقت را اعلام کنند.»^۲

مقایسه اجمالی...



پژوهشها

بنابراین، خصوصیت اصلی هیأت منصفه، ترکیب آن از افراد عادی جامعه و سپردن سرنوشت دادرسی به آنان با داشتن اختیار اظهارنظر در خصوص صحت و سقم اتهام وارده است. اعضای هیأت منصفه، تصمیم خود را پس از احراز انتساب عمل به متهم، بر اساس قابل سرزنش بودن وی (نه وصف حقوقی عمل) ائتخاذ می‌کنند.

برای پرداختن به نهاد هیأت منصفه در دو کشور ایران و انگلستان، ابتدا سابقه تاریخی این نهاد را در دو کشور بررسی می‌کنیم و سپس نظرات موافق و مخالف حضور هیأت منصفه در محاکم را مطرح خواهیم کرد. همچنین ضمن مقایسه اجمالی جایگاه و نحوه انتخاب اعضای هیأت منصفه در دو کشور، به نارساییهای موجود هیأت منصفه در ایران

1. Oxford Advanced Learner's Dictionary, Fourth edition, London, Oxford University Press, 1994, p. 679.

2. Black Henry Compbell, Black law dictionary, fifth edition, U.S.A, west publishing Co, 1983, p. 444.

می‌پردازیم و در نهایت، ضمن نتیجه‌گیری، طرحها و لوایح مرتبط را که در مجلس و شورای نگهبان مطرح است، بررسی می‌کنیم.

پیشینه تاریخی

تأسیس و پیدایش نهاد هیأت منصفه در شکل امروزی، منبث از حقوق انگلستان است.

آغاز مشارکت هیأت منصفه در تصمیم‌گیری در امور کیفری را عموماً تصمیم «شورای چهارم لوتران»^۱ در سال ۱۲۱۵ میلادی مبنی بر قطع حمایت کلیسای کاتولیک رم از محاکمه به وسیله «اوردلی» یا آیین‌ور می‌دانند. البته در این که هیأت منصفه در قبل از این سال نیز وجود داشته است، شکی نیست.^۲

چنان که «سازمان قضایی در یونان و رم قدیم و حتی در میان طوایف بربر وجود داشته که بی‌شبهت با هیأت منصفه امروزی نبوده است».^۳

آنچه از تاریخ یونان باستان راجع به این مسأله به دست آمده (نشان می‌دهد آنان) گاهی به طور نامرتب از هیأت منصفه استفاده کرده‌اند، ولی گاهی مشاهده می‌شود که روشی عیناً شبیه روشی که از لحاظ هیأت منصفه در حال حاضر به کار می‌رود، داشته‌اند؛ به طوری که در آتن لیستی به دست آمده است که در آن از ۶۰۰۰ نفر افراد مختلف جامعه نام برده است که در موقع احتیاج به تشکیل هیأت منصفه از آن استفاده می‌کردند و این لیست، هر ساله تجدید شده است؛ (چنان که) در



مجله تخصصی
دانشگاه علوم اسلامی رضوی

1. The decision of the fourth lateran council.

2. S.H.Bailey and M.J.Gunn, Smith & Bailey on the modern English legal system, Third edition, London, Sweet and Maxwell, 1996, pp. 888-889.

۳. علی جباری، «هیأت منصفه از ۱۲۱۵ میلادی تا امروز»، مجله کانون وکلا، شماره ۳۴، سال پنجم، ۱۳۳۲، ص ۱۹.

محاكمه معروف سقراط، ۵۰۱ «Juror» رأی دادند و در نتیجه، او را به جرم تحریک جوانان به فساد و بدبینی، محکوم به نوشیدن «زهر معروف شوکران» نمودند.^۱

مورخان نوشته‌اند، هیأت منصفه به صورت کنونی، تقریباً شکل تغییر یافته همان هیأت‌هایی است که در قدیم در یونان وجود داشته و به آنها «هلیات» می‌گفته‌اند. هیأت‌ها افرادی بودند که در میدان‌های عمومی و در هوای آزاد، تحت ریاست یک هیأت از قضات، جمع می‌شدند و قضاوت می‌کردند و در قضاوت، بیشتر، محسوسات و واقعیات را در نظر می‌گرفتند تا مفاد خشک و بی‌روح قانون را. این هیأت‌ها از طبقات بنا، کف‌اش، عطّار، دوره‌گرد، سنگتراش و غیره تشکیل می‌شد.^۲

در کشور انگلستان، قبل از تشکیل هیأت منصفه به شکل امروزی که از سال ۱۲۱۵ میلادی، در خصوص تقصیر یا عدم تقصیر متهمان مبادرت به صدور حکم می‌کردند، شکلی از هیأت منصفه به عنوان یک نهاد تعیین و اخذ مالیات و بهره مالکانه شاهی وجود داشت؛ به این شرح که در سال ۱۰۶۶ میلادی، «ویلیام فاتح»^۳ که از نژاد نورماندی فرانسوی بود، انگلستان را فتح کرد. وی مالیات سنگینی بر اموال منقول و غیرمنقول مردم انگلستان بست، اما چون مطمئن نبود که مردم به طیب خاطر حاضر بشوند مالیات تعیین شده را بپردازند، در هر محل و یا هر ده، هیأتی را مرکب از دوازده نفر از اهالی آن محل یا ده تشکیل داد. اعضای این هیأت‌ها بدو به موجب سوگندی که یاد می‌کردند، ملزوم به راستگویی می‌شدند و بعد، اموال همسایگان خود را معرفی و آن را در رأیی که صادر می‌کردند، ذکر

۱. مهین‌دخت خامنه‌ای، «هیأت منصفه در دادگاه‌های کشورهای متحده آمریکای شمالی»، مجله کانون وکلا، شماره ۸۶، سال شانزدهم، ۱۳۴۲، ص ۱۱۲.
۲. علی محمد طباطبایی، «هیأت منصفه از لحاظ تاریخی»، مجله کانون وکلا، شماره ۳۲، سال پنجم، خرداد و تیر ۱۳۳۲، ص ۴۷.

3. William the Conqueror.

مقایسه اجمالی...



پژوهشها

می نمودند. این آرا اساس و مبنای پرداخت مالیات محسوب می شد، اما مردم انگلستان حاضر نبودند تسلیم اراده ستمکارانه پادشاهان مزبور که آنان را اجنبی می دانستند، شوند، لذا به فکر چاره برای حفظ اموال خود در برابر این اقدام افتادند.

بنابراین، برای گریز، به محض ابلاغ رأی هیأت مزبور مبنی بر پرداخت مالیات، فوراً دعوایی صوری مطرح می کردند و هر یک از طرفین دعوی، مدعی مالکیت آن می شد و به این ترتیب، رفته رفته وقت هیأت‌های مزبور، مصروف رسیدگی به ادعای مالکیت می شد.^۱

در حقوق انگلستان، هیأت منصفه پس از تشکیل به صورت امروزی، تحولات زیادی یافته است. در ابتدای تشکیل هیأت منصفه در انگلستان (۱۲۱۵ م.) نقش آن در دادرسیها از این لحاظ که آیا حق صدور رأی یا فقط نقش مشورتی در آرای قضات دارد، مشخص نبود. در تاریخ تحولات هیأت منصفه در انگلستان، انتقال و گذر از مرحله تصمیم‌گیری بر اساس اطلاعات قبلی و پیشداوری، به سمت بی طرفی کامل و عدم اتکا به دانسته‌های قبلی و پیشداوری، کاملاً مشهود است. بعلاوه، در سال ۱۳۶۷ میلادی مشخص شد که تصمیم هیأت منصفه باید صریح و بدون ابهام باشد و نحوه دادرسی، به این شکل تعیین شد که ابتدا گواهان شروع به ارائه ادله می کردند و هیأت منصفه نیز از تماس و صحبت با اشخاص خارج، تا رسیدن به تصمیم نهایی، منع می شد.^۲

همچنین شمار اعضای هیأت منصفه تا سال ۱۳۶۷ میلادی، مشخص نشده بود. در این سال، تعداد آن ۱۲ نفر تعیین شد و اتفاق آرای هیأت منصفه به عنوان نکته‌ای ضروری تلقی گشت.^۳

۱. مصطفی امامی، «هیأت منصفه در انگلستان»، ماهنامه حقوق امروز، شماره ۱۱ و ۱۲، سال سوم، فروردین و اردیبهشت ۱۳۴۳، ص ۷۲ - ۷۳.

۲. ibid.

۳. ویل و آریل دورانت، تاریخ تمدن (عصر ناپلئون)، ترجمه اسماعیل دولتشاهی و ←



در سال ۱۶۷۰ در «پرونده بوشلز»^۱ این امر تثبیت شد که هیأت منصفه حق دارد بر اساس وجدان خود، مبادرت به صدور رأی نماید. نهایتاً این امر نیز تا قرن هجدهم مشخص شد که عضو هیأت منصفه نباید در موضوع پرونده، دارای اطلاعات قبلی و شخصی باشد.^۲ ضرورت رسیدگی به جرایم مهم مطبوعاتی؛ از جمله اقترا^۳ در حضور هیأت منصفه، به موجب قانون خاصی در سال ۱۹۷۲ در پارلمان انگلیس تصویب شد.^۴

در حقوق ایران، اگر چه هیأت منصفه به معنای امروزی، سابقه‌ای طولانی ندارد و این نهاد وارداتی از غرب، در انقلاب مشروطیت وارد متمم قانون اساسی شد، اما در تاریخ حقوق ایران می‌توان آثاری از نهادهایی با کارکرد شبیه هیأت منصفه را مشاهده کرد. شرکت اشخاصی که سمت قضایی نداشتند در بعضی از دادرسیها به موجب فرمان غازان مقرر شده بود، حضور این قضات و حکام ولایات و منشیان دخل و خرج (بیتکچیان) و علویان و دانشمندان در محل جلسه در مسجد جامع شهر فراهم شده بود. در این باب مؤلف تاریخ غازانی عین فرمان غازان را چنین ضبط می‌کند:

مقایسه اجمالی...



پژوهشها

دیگر دعوای میان دو مغول یا میان یک مغول و یک مسلمان و دیگر قضایا که قطع و فصل آن مشکل باشد، فرمودیم تا در هر ماهی دو روز ملوک و بیتکچیان و قضات و علویان و دانشمندان در مسجد جامع به دیوان المظالم جمع شوند و دعاوی به جمعیت بشنوند و به کنه آن رسیده و به موجب حکم شریعت، به فیصل برسانند و مکتوب نویسند

→ علی اصغر بهرام بیگی، ج ۱۱، چاپ اول، تهران، ۱۳۶۵، ص ۴۲۶.

1. R.V. Sherriff of London, exp. Bushell (1970) Vanghn 135 (Quoted by ibid).

2. ibid.

۳. «هتک حرمت».

۴. کاظم معتمدنژاد، «ارکان حقوقی آزادی مطبوعات»، رسانه، شماره دوم، سال نهم، تابستان ۱۳۷۷، ص ۳۵.

و مسجل کرده، خطاهای خود به گواهی بنویسند.^۱

اولین متن قانونی درباره حضور هیأت منصفه در دادرسی، اصل ۷۹ متمم قانون اساسی (مصوب ۲۹ شعبان ۱۳۲۵) است. به موجب این اصل: «در موارد تقصیرات سیاسی و مطبوعات، هیأت منصفین در محاکم، حاضر خواهند بود».

با وجود تصویب این اصل، در اولین محاکمه مطبوعاتی در ایران (محاکمه سلطان العلمای خراسانی، مدیر روزنامه روح‌القدس) که دو ماه پس از تصویب این اصل صورت گرفت، هیأت منصفه حضور نداشت. بنابراین، اولین محاکمه مطبوعاتی با حضور هیأت منصفه را باید محاکمه میرزا سیدحسن کاشانی، مدیر روزنامه حبل‌المتین، به اتهام نشر مطالب ضد دینی در شماره ششم این نشریه (۱۳ رجب ۱۳۲۷) دانست. بعد از این محاکمه و تا مهرماه سال ۱۳۷۰، دادرسیهای مطبوعاتی با حضور هیأت منصفه، انگشت‌شمار بود.^۲

بنابراین، بر خلاف بعضی کشورهای اروپایی نظیر فرانسه و انگلستان که صلاحیت وسیعی برای هیأت منصفه در دعاوی کیفری و در بعضی پرونده‌های مدنی قائل هستند، در حقوق ایران، مطابق اصل ۱۶۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی، تنها رسیدگی به جرایم مطبوعاتی و سیاسی با حضور هیأت منصفه انجام می‌گیرد.



مجله تخصصی
دانشگاه علوم اسلامی رضوی

۱. محمد جعفری لنگرودی، تاریخ حقوق از انقراض ساسانیان تا آغاز مشروطه، کانون معرفت، چاپ اول، تهران، بی تا، ص ۱۱۸.

۲. با مطالعه تاریخ ایران در یکصد سال اخیر، بجز تشکیل هیأت منصفه در صدر مشروطیت و اواسط سال ۱۳۳۴، نمونه دیگری از تشکیل هیأت منصفه تا مهر ماه ۱۳۷۰ ملاحظه نشد.

- برای اطلاع از قوانین مربوط به هیأت منصفه و تحوّل آن در کشورمان و همچنین بررسی تطبیقی حدود صلاحیت هیأت منصفه، نحوه انتخاب، تشریفات رسیدگی و تصمیم‌گیری، ر.ک: عباس شیخ‌الاسلامی، جرایم مطبوعاتی، جهاد دانشگاهی، چاپ اول، مشهد، ۱۳۸۰، ص ۱۵۷ - ۱۷۰.

دلایل موافقان و مخالفان هیأت منصفه

الف) دلایل موافقان:

۱. تصمیمات هیأت منصفه به دلیل این که بر اساس وجدان و انصاف اتخاذ می‌شود و اعضای هیأت منصفه در صدور آن، خود را پای‌بند ظواهر قوانین نمی‌کنند، واجد انعطاف‌پذیری و متضمن عدم پیشداوری است. چنین تصمیماتی، چهره عادلانه‌تری از سیستم قضایی ترسیم می‌کند و با حساسیتها و نیازهای آنی جامعه، هماهنگ است. در مقابل، آرای قضایی به دلیل پای‌بندی دادرسان به ظواهر قانون و تکیه بر عادات و پیشداوری، دارای جمود و خشکی است. «لرد دیولین» در این زمینه می‌گوید: «هیأت منصفه می‌تواند قضاوت کند، در حالی که قاضی نمی‌تواند؛ زیرا باید از قانون تبعیت کند.»^۱

۲. مشارکت افکار عمومی در دادگاهها عامل مؤثری در تحقق دموکراسی، مداخله مردم در روند عدالت کیفری و مصداقی از سیاست جنایی مشارکتی است.

۳. استقلال مطلق هیأت منصفه در مقابل قوای عمومی و حاکمیت، ضامن بی‌طرفی آنها در صدور تصمیم و استقلال رأی آنان است. همین موضوع موجب حفظ حقوق و آزادیهای فردی شده و از قوه قضائیه نیز اتهام جانبداری و وابستگی به حاکمیت، رفع می‌شود.

۴. قضاوت از طریق دخالت دادن هیأت منصفه (متشکل از اشخاص عادی) باعث اقتناع محکومان و اعتماد عمومی می‌شود.

۵. کشف واقع به وسیله یک جمع (هیأت منصفه)، در مقایسه با یک فرد (قاضی)، منطقی‌تر است؛ بعلاوه تصمیم هیأت منصفه، مانع جاه‌طلبی قضات و فساد دستگاه قضایی (نظیر اخذ رشوه) است.

مقایسه اجمالی...



پژوهشها

1. Lord Devlin, trial by jury, The hamlyn lecture 1956. (Quoted by: ibid, p. 9).

۶. عمر طولانی نهاد هیأت منصفه و بقای این نهاد تاکنون، با وجود مخالفت‌های گوناگون، مؤید کاربرد مثبت این نهاد، از لحاظ عملی است.

ب) دلایل مخالفان:

۱. حضور هیأت منصفه در دادگاه، در حقیقت به معنای سپردن سرنوشت دادرسی به اشخاص فاقد تجربه و اطلاعات حقوقی است. با اتخاذ چنین سیستمی، قضات متخصص و باتجربه، مجبورند مطیع تصمیمات افراد غیرمتخصص گردند که بدون آزمون علمی و صلاحیت جسمی و روانی لازم انتخاب می‌شوند.

۲. «تجویز اتخاذ تصمیم بر اساس وجدان به اعضای هیأت منصفه در عصر اطلاعات، کاملاً نامناسب و غیرمنطقی است»^۱ و تصمیمات هیأت منصفه بر این اساس، بر خلاف تصمیمات قانونی قضات، فاقد مبنای مشخص است. همچنین درک پیچیدگی‌های فنی و تکنیکی بعضی پرونده‌های سنگین؛ نظیر کلاهبرداری و نیز بررسی ادله پیچیده ارائه شده، برای هیأت منصفه مشکل است. چنان که در کشور انگلستان «کمیته روسکیل»^۲ در زمینه پرونده‌های کلاهبرداری، به این نتیجه رسید که در پرونده‌های پیچیده، محاکمه با حضور اعضای هیأت منصفه که به صورت تصادفی انتخاب شده‌اند، عادلانه نیست و هیأت منصفه، عمق لازم فکری را جهت درک چنین پرونده‌های پیچیده‌ای ندارد. این کمیته توصیه کرد، در پرونده‌های کلاهبرداری پیچیده، باید محاکمه با حضور هیأت منصفه نسخ شود و به جای آن، محاکمه در حضور دادگاهها و بدون حضور هیأت منصفه صورت پذیرد.^۳

۳. اعضای هیأت منصفه، بیشتر از قضات باتجربه، تحت تأثیر



1. S.H.Bailey and M.J.Gunn, op. cit, p. 906.

2. Roskil Committe.

3. ibid, p. 909.

احساسات و منافع خود هستند؛ در نتیجه، از تأثیر عواملی نظیر فصاحت و بلاغت کلام متهم یا وکلا، محیط خانوادگی، سطح معلومات، اشتغالات فکری و عملی و حتی از تأثیر یک رئیس مقتدر در اتاق شور، در تصمیم اعضای هیأت منصفه و سرنوشت دادرسی، نمی‌توان چشم‌پوشی کرد. برای مثال، در این زمینه اظهار شده است:

هیأت منصفه روستایی، نسبت به مرتکبان (جرم) حریق محصول، بی‌رحم و هیأت منصفه شهری، در مورد جنایتها علیه مالکیت، ارفاق بیشتری دارند.^۱

۴. تحقیقات عملی صورت گرفته نیز تا حدودی بیانگر صدور تصمیمات نامناسب و اشتباه توسط هیأت منصفه است؛ چنان که در کشور انگلستان، در نتیجه انجام یک تحقیق در این خصوص، محاکمه توسط هیأت منصفه، یک داوری و یک مشغله غیرقابل پیش‌بینی معرفی شد. همچنین در این کشور با بررسی تحقیقات انجام شده در این خصوص، مشخص شد که در تعداد معینی از پرونده‌های مورد مطالعه، تعداد آرای (هر چند اندک) حاوی تصمیمات نامعقول و خطای آشکار هیأت منصفه، وجود دارد.^۲

۵. از دیگر ایرادات وارد به نهاد هیأت منصفه، می‌توان از امکان اعمال نفوذ در اعضای این نهاد (با پرداخت رشوه و یا ارباب)، هزینه‌ها و زیانهای مالی وارد به اعضای هیأت منصفه و دولت، به خصوص در محاکمات طولانی، احساس پوچی برای اعضای هیأت منصفه که در طول خدمت خود، احضار نشده‌اند و احساس سردرگمی برای اعضای منتظر در ساختمان دادگاه جهت قرعه‌کشی، نام برد.

۱. گاستون استفانی، ژرژ لواسور، برناربولوک، آئین دادرسی کیفری، ترجمه حسن دادبان، دانشگاه علامه طباطبایی، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۷، ص ۵۵۹.

2. Quoted by: ibid, p. 908.

۶. در حقوق ایران، به دلیل حاکمیت سیستم قضای اسلامی، باید ایراد شرعی تبعیت قاضی مجتهد از تصمیم جمع غیرمجتهد را به ایرادات بالا افزود.

نارساییهای هیأت منصفه در ایران

متأسفانه هیأت منصفه در کشور ایران، هنوز نتوانسته است به رسالت اصلی خود؛ یعنی حضور مردم در دادرسی، جامه عمل پوشاند. دلیل آن در مقایسه با کشور انگلستان، به شرح ذیل است:

الف) جوانی و عدم قدمت: نهاد هیأت منصفه در کشور مبدع آن (انگلستان) دارای قدمت حدود ۸۰۰ سال است. مسلماً این نهاد، طی مدت طولانی، پس از فراز و نشیبهای پیاپی و تدوین مقررات گوناگون، تبدیل به یک سیستم منسجم و با هدف حضور مردم در دادرسی شده است؛ در حالی که هیأت منصفه در ایران، با وجود صلاحیت محدود، به علل گوناگون، نتوانسته جایگاه واقعی خود را به دست آورد و به هدف مهم خود که شرکت مردم در دادرسیهای مطبوعاتی و سیاسی است، دست یابد. علت اصلی این امر، عدم همخوانی سیستمهای حکومتی قبل از انقلاب اسلامی (استبدادی) با فلسفه وجودی چنین نهادی است. در حقیقت، حاکمیت استبدادی، هیچ گاه حاضر نیست مقداری از اختیارات مربوط به حاکمیت خود را به نفع مردم از دست بدهد و به این دلیل است که هیأت منصفه به عنوان یک نهاد تقلیدی از غرب، با وجود تقریباً ۱۰۰ سال عمر تقنینی، در عمل، تا سال ۱۳۷۰ تشکیل نشد.

ب) ترکیب انتصابی و عدم مشارکت واقعی مردم: چنان که گفته شد، هیأت منصفه باید عصاره واقعی مردم و نماینده وجدان عمومی باشد. لازمه این امر، این است که ترکیب هیأت منصفه از افراد عادی و به اصطلاح، افراد کوچک و بازار باشد، نه ترکیبی از قشر خاص. بر این اساس،



در انگلستان، تعیین اعضای هیأت منصفه به وسیله سیستم قرعه‌کشی (تصادفی با استفاده از رایانه) در سه مرحله و از میان حائزان شرایط شرکت در انتخابات (انتخاب کنندگان) صورت می‌گیرد^۱ و در نتیجه، با این نحوه انتخاب، هدف اصلی حضور هیأت منصفه در محاکمات؛ یعنی مشارکت افراد عادی در دادرسی، محقق خواهد شد؛ در حالی که در حقوق ایران، هیأت منصفه توسط یک هیأت سه یا چهار نفری حکومتی «منصوب» می‌شوند.

در عمل نیز با توجه به ترکیب اعضای هیأت منصفه در دوره کوتاه تشکیل آن تاکنون، مشخص می‌شود که انتخاب شوندگان، بیشتر از چهره‌های سرشناس سیاسی و حقوقی با سمتهای مهم دولتی و قضایی بوده‌اند. این ترکیب، هیچ‌گاه عصاره واقعی مردم و مرکب از قشرهای گوناگون جامعه نبوده است. بنابراین:

مقایسه اجمالی...



پژوهشها

ترکیب هیأت منصفه از نخبگان است و اشکال از این جا آغاز می‌شود؛ زیرا چیزی که در ذهن یک استاد یا یک اندیشه‌ور، اهانت تلقی می‌شود، از نظر یک کارمند و کارگر، ممکن است این گونه نباشد. چند درصد جامعه از نخبگان است که قضاوت جامعه را باید (تماماً) به عهده آنان بگذاریم.^۲

ج) قضاوت بر اساس قانون، نه وجدان: یکی از فلسفه‌های مهم تشکیل هیأت منصفه و حضور آن در دادرسی، قضاوت بر اساس وجدان جمعی است، نه قانون. به واسطه این فلسفه است که در انگلستان، قضات و سایر دست‌اندرکاران دستگاه قضایی، شامل: وکلای دادگستری، مشاوران حقوقی، کارآموزان و کارمندان تشکیلات سلطنتی تعقیب،

۱. جهت اطلاع دقیقتر از نحوه انتخاب اعضای هیأت منصفه در انگلستان ر.ک: عباس شیخ‌الاسلامی، جرایم مطبوعاتی، ص ۱۶۲.
۲. کامبیز نوروزی، «اصلاح قانون مطبوعات، بایدها و نبایدها»، روزنامه همشهری، ۱۸ آبان ۱۳۷۳، ص ۶.

کارمندان دادگاه، مأموران زندان، افراد پلیس و در مجموع، حقوق دانان، به عنوان اشخاص نامناسب، ممنوع از عضویت در هیأت منصفه هستند.

فلسفه این امر نیز آن است که آنان در تصمیم‌گیریهای خود، از اطلاعات حقوقی استفاده می‌کنند و این امر، مانعی در راه قضاوت بر اساس وجدان است. همچنین این افراد به دلیل اطلاعات حقوقی، ممکن است سایر اعضای هیأت منصفه را تحت تأثیر قرار دهند.

در حقوق ایران، ماده ۳۶ قانون مطبوعات (اصلاحی سال ۱۳۷۹) مقرر می‌دارد:

انتخاب هیأت منصفه به طریق ذیل خواهد بود: هر دو سال یک بار در مهر ماه جهت تعیین اعضای هیأت منصفه در تهران به دعوت وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی و با حضور وی و رئیس کل دادگستری استان، رئیس شورای شهر، رئیس سازمان تبلیغات و نماینده شورای سیاستگذاری ائمه جمعه سراسر کشور و در مراکز استان به دعوت مدیر کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان و با حضور وی و رئیس کل دادگستری استان، رئیس شورای شهر مرکز استان، رئیس سازمان تبلیغات و امام جمعه مرکز استان یا نماینده وی تشکیل می‌شود. هیأت مذکور در تهران ۲۱ نفر و در سایر استانها ۱۴ نفر از افراد مورد اعتماد عمومی را از بین گروههای مختلف اجتماعی (روحانیون، اساتید دانشگاه، پزشکان، مهندسان، نویسندگان و روزنامه‌نگاران، وکلای دادگستری، دبیران و آموزگاران، اصناف، کارمندان، کارگران، کشاورزان، هنرمندان و بسیجیان) به عنوان اعضای هیأت منصفه انتخاب می‌کنند.

بنابراین، از جمله گروههای نامزد برای عضویت در هیأت منصفه، وکلای دادگستری، سردفتران و استادان دانشگاه (که شامل استادان حقوق دان نیز هست) می‌باشند و در نتیجه، این اشکال پیش می‌آید که اینان به دلیل داشتن اطلاعات حقوقی، نقش قاضی را ایفا می‌کنند و ناخودآگاه تمایل به حل قضیه و تشخیص تقصیر بر اساس قوانین موضوعه دارند و بر اساس وجدان خود تصمیم نمی‌گیرند.



با نگاهی به تصمیمات صادر شده توسط هیأت منصفه، این حقیقت روشن می‌شود. در این باره می‌توان به تصمیم صادر شده توسط هیأت منصفه، در خصوص نشریه گردون در سال ۱۳۷۱ به شرح ذیل اشاره کرد:

به تاریخ ۷۰/۹/۱۷، جلسه رسیدگی به اتهام آقای عباس معروفی، صاحب امتیاز و مدیر مسئول مجله گردون در دادگاه شماره ۳۵ کیفری یک تهران با حضور اعضای هیأت منصفه تشکیل گردید. پس از قرائت کیفرخواست و استماع دفاعیات متهم و وکیل مدافع نامبرده، ریاست محترم دادگاه ختم رسیدگی را اعلام کرد. هیأت منصفه پس از بررسی موارد مطروحه در کیفرخواست و تطبیق آن با اصل مطالب چاپ شده در شماره‌های مختلف مجله گردون، با توجه به محتویات پرونده و دفاعیات متهم و وکیل مدافع وی در محضر دادگاه و هم چنین با عنایت به اظهارات متهم مبنی بر اعتقاد به انقلاب اسلامی و قانون اساسی و نظام جمهوری اسلامی و پذیرش اشتباهات محتمل در فعالیتهای مطبوعاتی خود و نیز با توجه به این که طرح چاپ شده، از دید مثبت نیز قابل ارزیابی است، مشاوره نموده و به شرح ذیل اظهار می‌نماید: هر چند مطالب مندرج در شماره‌های مجله گردون مذکور در کیفرخواست، در مواردی متناسب با آرمانهای انقلاب اسلامی نمی‌باشد، ولی در حد جرم قانونی نبوده و قابلیت انطباق با مواد قانونی مورد استناد در کیفرخواست را ندارد. بنابراین، هیأت منصفه، متهم را بزهکار نمی‌شناسد. محقق داماد، محمدتقی قاضی میبدی، سیدعطاءالله مهاجرانی، جلال رفیع، گودرز افتخار جهرمی، احمد پورنجاتی، محمدتقی صاحبی.

تصمیم فوق، شباهت زیادی به رأی دادگاه دارد و این هیأت با تطبیق عمل با قانون موضوعه، به خصوص در این قسمت از تصمیم که آمده است: «... در حد جرم قانونی نبوده و قابلیت انطباق با مواد قانونی مورد استناد در کیفرخواست را ندارد...» نقش قاضی دادگاه را بر عهده گرفته است. اگر ترکیب هیأت منصفه از افراد معمولی و فاقد اطلاعات حقوقی بود، آنان بدون توجه به قوانین و تنها بر اساس وجدان خود و قابلیت

مقایسه اجمالی...



پژوهشها

سرزنش اجتماعی متهم، تصمیم می‌گرفتند و اگر بنا به اتخاذ تصمیم بر اساس قوانین موضوعه باشد، مسلماً قاضی دادگاه در صدور چنین تصمیمی، از سایر افراد، صالحتر است.

د) ابهام در صلاحیت هیأت منصفه: در حقوق ایران، همانند انگلستان، در محاکمات با حضور هیأت منصفه، دادرسی به دو مرحله «احراز تقصیر (موضوع)» و «صدور حکم» تقسیم می‌شود. تصمیم در خصوص مرحله اول، به عهده هیأت منصفه است و قاضی دادگاه، در این زمینه حق رأی ندارد و پس از احراز تقصیر توسط هیأت منصفه، تنها تطبیق موضوع با قانون و صدور حکم، با قاضی است.

این روش، نسبت به روش حاکم در حقوق فرانسه که مطابق آن، هیأت منصفه و دادگاه، از نظر ماهوی و قانونی، مشترکاً مشاوره می‌کنند، قابل دفاعتر و منطبق با فلسفه هیأت منصفه است و مانع دخالت قضات حرفه‌ای در آرا و تصمیمات هیأت منصفه می‌شود.

در سیستم هیأت منصفه فرانسوی، اعضای هیأت منصفه، فعلاً قاضی مردمی نیستند که تنها در مجرمیت تصمیم بگیرند؛ اینان با شرکت قضات، مسأله مجرمیت (ماده ۳۵۶ ق.د.ک) و اعمال مجازات را (ماده ۲۶۲ ق.د.ک) حل می‌کنند... ولی برای کاهش نفوذ قضات حرفه‌ای و افزایش نفوذ هیأت منصفه، ماده ۳۵۹ این قانون مقرر می‌دارد که کلیه تصمیمات نامساعد علیه متهم (محکومیت، رد یک عذر یا کیفیات مخففه) قابل تحقق نیست، مگر با اکثریت حداقل هشت رأی در مقابل چهار رأی. پس الزاماً حداقل پنج رأی هیأت منصفه لازم است...^۱

اما آنچه در حقوق ایران دارای اشکال است، عدم تبیین نقش و جایگاه و حدود صلاحیت قاضی دادگاه مطبوعات در روند دادرسی و قدرت وی در این زمینه است که گاهی می‌تواند حضور هیأت منصفه را کم‌رنگ و یا

۱. گاستون استفانی، ژرژ لوسور، برناربولوک، آیین دادرسی کیفری، ترجمه حسن دادبان، ج ۱، ص ۵۶۴-۵۶۶.



حتی منتفی سازد؛ چنان که تبصره چهار ماده ۴۳ قانون مطبوعات (اصلاحی سال ۷۹) مقرر می‌دارد: «حضور هیأت منصفه در تحقیقات مقدماتی و صدور قرارهای قانونی، لازم نیست.» بنابراین، در حال حاضر، با حذف دادسرا و سپردن تحقیقات مقدماتی به دادگاه، قاضی دادگاه مطبوعات، قادر است در اولین مرحله تحقیقات مقدماتی، با صدور قرار منع تعقیب به واسطه جرم نبودن عمل و یا با اتخاذ تصمیم مبنی بر مطبوعاتی نبودن جرم مورد شکایت، مانع از حضور هیأت منصفه در پرونده خاص شود؛ چنان که درباره روزنامه توس، دادگاه عمومی ویژه مطبوعات (شعبه ۱۴۱۰ دادگاه عمومی تهران) با اعتقاد به مطبوعاتی نبودن جرم مدیر مسئول این نشریه (انتشار توس به جای نشریه توقیف شده جامعه)، رأساً و بدون احضار هیأت منصفه، مدیر مسئول این نشریه را محکوم کرد.

مقایسه اجمالی...



پژوهشها

نتیجه گیری

گرچه مبنای وجودی نهاد هیأت منصفه از لحاظ حضور مردم در سیاست جنایی، قابل توجیه است، اما پذیرش مطلق آن، به خصوص در سیستمهای حقوقی متکی به قانون، مشکل ساز می‌باشد؛ چنان که در کشورهای نظیر فرانسه، با وجود سابقه طولانی این نهاد، در حال حاضر از راههای گوناگون؛ نظیر محدود کردن صلاحیت آن، مشارکت قضات در کنار اعضای هیأت منصفه در اتخاذ تصمیم و نیز جنبه اعلام کردن (قانونی و قضایی) بعضی از جنایات، ضمن عدم برخورد مطلق گرایانه با این نهاد، سعی در حفظ آن دارند.

در انگلستان نیز با وجود این که هیأت منصفه به صورت مطلق پذیرفته نشده و جرایم مهمی نظیر اخلال در روند دادرسی، بدون حضور هیأت منصفه رسیدگی می‌شود، «تلاشهایی در جهت محدود کردن هر چه بیشتر صلاحیت این نهاد می‌شود. پیشنهاد نسخ صلاحیت این هیأت در مورد

کلاهبرداریهای پیچیده توسط کمیته روسکیل و نیز حرکت در جهت محدودیت استفاده از هیأت منصفه در دعوی هتک حرمت، نمونه‌هایی از این تلاشهاست.^۱

در عمل نیز رسانه‌های انگلستان به دلیل محکومیت مالی سنگین توسط هیأت منصفه، معمولاً در دعاوی خطای مدنی، به اجتناب از محاکمه به وسیله هیأت منصفه توصیه می‌کنند.^۲

در حقوق ایران، پذیرش صلاحیت محدود هیأت منصفه (رسیدگی جرایم مطبوعاتی و سیاسی)، با فلسفه خاص حمایت از آزادیهای سیاسی و مطبوعاتی، دارای توجیه منطقی است.^۳ سپردن سرنوشت دادرسی پرونده‌های سیاسی و مطبوعاتی به تصمیم هیأت منصفه به عنوان نمایندگان جامعه، مانع تصمیم قضات دادگاهها به عنوان نمایندگان حاکمیت درباره مخالفان سیاسی و مطبوعاتی و در نتیجه، حفظ حقوق و آزادیهای سیاسی و مطبوعاتی می‌شود. بعلاوه، امکان برداشتهای گوناگون از جرایم مطبوعاتی و نقش عرف در تعیین مصادیق آن باعث شده است که حضور هیأت منصفه در محاکمه این دسته از جرایم، ضروری باشد.

با وجود این ضرورت، قانون‌گذار ایران نتوانسته است به فلسفه اصلی حضور هیأت منصفه؛ یعنی مشارکت واقعی افراد عادی در دادرسی این



۱. البته این حرکت در سال ۱۹۸۱ با شکست مواجه شد. (Quoted by: Geoffrey

Robertson and Andrew G.L.Nicol)

۲. ibid.

۳. محدودیت صلاحیت هیأت منصفه به جرایم مطبوعاتی و سیاسی، به تبعیت از دیدگاه مکتب تحقیقی است؛ چنان که آنریکو فری، جرم‌شناس معروف ایتالیایی که از مؤسسان مکتب تحقیقی است، با استناد به پیدایش دوره دلایل معنوی و علمی، شرکت هیأت منصفه در دادرسیهای کیفری را نه فقط بی‌فایده و غیرلازم تشخیص می‌دهد، بلکه آن را مضر هم معرفی می‌کند و فقط در جرایم سیاسی و مطبوعاتی، شرکت این هیأت را بلامانع می‌داند (محمود آخوندی، آیین دادرسی کیفری، ج ۲، ص ۱۷۶، جهاد دانشگاهی، چاپ دوم، تهران، ۱۳۶۷).

گونه جرایم، جامه عمل بپوشاند. همچنین قانون‌گذار درباره هیأت منصفه جرایم سیاسی، با وجود تکلیف مندرج در اصل ۱۶۸ قانون اساسی، با عدم تعریف جرم سیاسی، زمینه لازم را در تشکیل هیأت منصفه جرایم سیاسی، فراهم نکرده است.

البته در حال حاضر، دو مصوبه شامل یک لایحه از ناحیه دولت (لایحه جرم سیاسی) و یک طرح (طرح تشکیل هیأت منصفه) در سطح مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان در حال بررسی است، ولی این مصوبات هنوز مراحل نهایی خود را طی نکرده است.

در مصوبه مجلس شورای اسلامی درباره جرم سیاسی که با ایرادات عدیده شورای نگهبان مواجه شد، مواد ۸ تا ۲۱ به موضوع هیأت منصفه جرایم سیاسی اختصاص یافته است. در صورت تصویب نهایی این لایحه، با تعریف جرم سیاسی و تعیین مصادیق آن، برای اولین بار در دادرسی این گونه جرایم، هیأت منصفه خاص آن حضور می‌یابند.

نحوه انتخاب اعضای هیأت منصفه در این مصوبه نیز انتصابی است و هیأتی مرکب از استاندار، رئیس کل دادگستری استان، یک نفر از نمایندگان مجلس آن استان (با انتخاب نمایندگان همان استان)، نماینده احزاب و جمعیت‌های سیاسی استان، رئیس شورای استان (در صورت عدم تشکیل شورای استان، رئیس شورای شهر)، هر دو سال یک بار، تشکیل جلسه داده و از بین اقشار و گروه‌های مختلف اجتماعی (روحانیان، دبیران، دانشجویان، پزشکان، وکلای دادگستری، کارگران، اصناف، احزاب و...) ۱۵ نفر برای استان تهران و ۹ نفر برای سایر استانها برای مدت دو سال، به عنوان اعضای هیأت منصفه انتخاب می‌کنند.

اعضای هیأت منصفه باید متدین به دین اسلام یا یکی از ادیان رسمی دیگر، دارای تابعیت ایران، دارای حداقل ۳۰ سال سن، حداقل دارای مدرک تحصیلی دیپلم یا معادل آن از دروس حوزوی، حسن شهرت و فاقد سابقه محکومیت کیفری مؤثر باشند. جلسات هیأت منصفه در استان

مقایسه اجمالی...



پژوهشها

تهران با حضور حداقل ۹ نفر و در سایر استانها با حضور حداقل ۷ نفر از اعضا رسمیت می‌یابد.

مطابق این مصوبه، چنانچه هیأت منصفه، اعتقاد به مجرمیت متهم سیاسی داشته باشد، ولی نظر دادگاه بر برائت باشد، دادگاه حکم برائت صادر می‌کند و در غیر این موارد، دادگاه مکلف به پذیرش نظر هیأت منصفه است و در صورت مجرمیت، تعیین عمل انتسابی، با قانون و تعیین مجازات و رعایت سایر جهات قانونی و انشای رأی، با دادگاه است و این رأی، قابل تجدیدنظرخواهی است.

علاوه بر اشکالات عدیده شکلی و ماهوی وارد بر مصوبه مذکور؛ از جمله، غیرمنطقی بودن شرط حصول اکثریت مطلق برای محکومیت و سکوت درباره این موضوع که آیا در مرحله تجدیدنظر، حضور هیأت منصفه لازم است یا خیر و دادرسی آن، انتصابی بودن و لزوم شرایط خاص، نظیر شرط داشتن دیپلم یا ۳۰ سال سن در اعضای هیأت منصفه، باعث شده است تا هیأت منصفه از فلسفه وجودی خود که حضور معدل مردم (نه قشر خاص) در تصمیم‌گیری این گونه جرایم است، دور افتد.

بعلاوه، در صورت تصویب نهایی این مصوبه، دوگانگی ترکیب و دادرسی هیأت منصفه درباره جرایم مطبوعاتی و سیاسی، قابل توجیه نیست. شاید به همین دلیل بود که نمایندگان مجلس شورای اسلامی، در جلسه مورخ ۱۳۸۰/۸/۶ و سپس در جلسه ۱۳۸۰/۱۰/۳، فوریت و کلیات طرحی به نام «طرح تشکیل هیأت منصفه» را در ۱۶ ماده به تصویب رساندند. به موجب این مصوبه، تعداد اعضای هیأت منصفه در استان تهران، ۵۰۰ نفر و در استانهای با جمعیت بیش از یک میلیون نفر، ۲۵۰ نفر و در استانهای با جمعیت کمتر از یک میلیون نفر، ۱۵۰ نفر می‌باشد که در هر محاکمه مطبوعاتی یا سیاسی، بر اساس قرعه، در تهران، ۲۱ نفر و در سایر مراکز استانها، ۱۴ نفر به قید قرعه انتخاب می‌شوند. قرعه‌کشی، یک هفته قبل از زمان رسیدگی و با حضور نماینده دادگستری، وکلای متهم و



مجله تخصصی

دانشگاه علوم اسلامی رضوی

نماینده منتخب استان انجام می‌شود و اعضای هیأت منصفه آن محاکمه تعیین می‌گردند.

بررسی همه مواد مصوبه مذکور و نقاط ضعف و قوت آن، مقاله‌ای مستقل می‌طلبد، اما خلاصه بحث، این است که مصوب مذکور، گرچه با انتخاب تعداد بیشتری اعضا و وسیع کردن طیف انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان از اقشار گوناگون و پیش‌بینی شیوه قرعه‌کشی از میان لیست اولیه انتخابی که تا حدودی منجر به متغیر و غیرقابل پیش‌بینی بودن ترکیب هیأت منصفه می‌شود، توانسته است تا حدودی در جهت تحقق فلسفه وجودی هیأت منصفه، گام بردارد، اما هنوز هیأت منصفه انتصابی از طرف یک گروه خاص است و کاملاً تصادفی و معدل اجتماع نیست تا بتوان آن را مصداقی از سیاست جنایی مشارکتی و منطبق با هدف حضور مردم در دادرسیهای مطبوعاتی و سیاسی دانست.

مقایسه اجمالی...



پژوهشها

